



رجعت سرخ ستاره

مجموعه شعر



به جای مقدمه
گزارش ویراستار
مثنوی (۱)
مثنوی (۲)
غزلها



ز دست کوتاه خود زیر بارم

این قَدَر هست که مرا در انتشار این مجموعه، هرگز رغبتی نبوده است. پافشاری بعضی از ارباب فتوت به تشویق و دلگرمی من، این داغ را بر کرده ادب فارسی نهاد. «وه که چه طعنه زنند بر من و باز هم بر من شاعران» شاید که به حرمت نام و یاد آن عزیزان که بر زبانِ قلم رفته است، اهل معنی در این هرزه‌دراییها به دیدهٔ اغماض بنگرند و بر این بیچاره بیخشانند.

محمدعلی معلم

آنچه آمد، مقدمه کوتاه و متواضعانه‌ای است که استاد علی معلم دامغانی، بر چاپ نخست رجعت سرخ ستاره نوشته است. این مجموعه نخستین بار به سال ۱۳۶۰، یک ربع قرن پیش، منتشر شده و به رغم نایابی چاپ نخست و با وجود اصرارها و مراجعات مکرر دوستانداران شعر جناب معلم، تا کنون به چاپ دوم نرسیده بود و اهل ادبیات، سالها بود که نسخه‌های کپی شده آن را دست به دست می‌چرخاندند و از آن بهره می‌بردند.

هیچ تردیدی نیست که سبک و شیوه خاص معلم در طی این سالها، بر فضای شعر پس از انقلاب در ایران و در پهنه زبان فارسی، در خارج از مرزهای ایران مؤثر افتاده و کسانی که ذوقشان را شعرهای سهل و سطحی سیراب نمی‌کند و به دنبال فضاهاى متفاوت و تأمل‌برانگیز هستند، همواره به این طرز به چشم اعتنا نگریسته‌اند.

جناب معلم در سراسر این سالها فراوان سروده است. او از محدود شاعرانی است که هم در عرصه شعر اندیشمند و دیرپاب و هم در زمینه شعر مردم‌پسند، از جنس ترانه و تصنیف، آثار ارجمندی آفریده که زیانزد اهل ادب و موسیقی امروز ایران است. برخی مثنویها و غزلهای معلم، اینجا و آنجا، در نشریات و جگه‌ها منتشر شده و کپی آنها دست به دست می‌گردد. معلم شعرهای فراوان دیگری هم سروده که گویا رغبتی به چاپ آنها ندارد و به قول خودش، تعداد زیادی از آنها را پس از یک اسباب‌کشی منزل، در ساعت ۹ شب، در محلی قرار داده تا کارگران زحمتکش شهرداری آنها را جابه‌جا کنند!

معلم از کم‌شمار شاعرانی است که در سرودن شعر، بر خود سخت می‌گیرند و با طبعی مشکل‌پسند، گزیده‌گویی را شعار خود ساخته‌اند، اما در چاپ و نشر شعر، این مقدار بی‌رغبت و حتی لابلایی می‌نمایند! این روحیه جناب معلم، در روزگاری که برخی شاعران و متشاعران، بر سر نام و آوازه‌گریبان چاک می‌کنند و کار از قوت طبع و قدرت ذوق و فخامت شعر، احیانا به ضخامت دفترها و دیوانها افتاده، مایه بسی شگفتی است!

حق این بود که مقدمه چاپ دوم رجعت سرخ ستاره، به قلم توانای جناب استاد معلم و نثر فاخر و متمایز ایشان نوشته می‌شد، و چه نیکوتر می‌بود اگر این چاپ با بازبینی اشعار و حواشی تازه، حسب سلیقه

امروز حضرتشان به دست شما می‌رسید، اما متأسفانه درخواستهای مکرر بنده و دیگر دوستان در این زمینه، هرگز با اجابت توأم نگشت و سرانجام این وظیفه به دوش این حقیر نهاده شد.

در طی این سالهای دراز، هرگاه دوستی یا عزیزی از معلم می‌خواست که این مجموعه را به چاپ دوم بسپارد و یا دیگر آثار منتشر نشده خود را چاپ کند، معلم با همان کرامت قلندرانه، به لطایف الحیل از زیر کار شانه خالی می‌کرد و حتی وقتی کار به مراحل نهایی حروفچینی می‌رسید، به نحوی که غباری بر دلی نشیند، موضوع را به فرصت دیگری موکول می‌نمود؛ فرصتی که هرگز دست نمی‌داد و فرامی‌رسید! آخرین بار جمعی از دوستان، وقتی دیدند که معلم خود تن به بازبینی و آماده‌سازی کتاب نمی‌دهد، مجموعه را به من سپردند تا پس از ویرایش و رساندن نسخه نهایی به نظر استاد، مقدمات چاپ قطعی را فراهم کنم. من با کمال اشتیاق این کار را به عهده گرفتم و ویرایش و افزودن برخی حواشی و... روزگاری برد. معلم وقتی نسخه حروفچینی شده را دید، طبق معمول لبخندی زد و به بهانه مطالعه، آن را از من گرفت تا ظرف چند روز، پس از نوشتن مقدمه باز گرداند... اما این اتفاق هم هیچ وقت نیفتاد و معلم هر بار با همان ظرافت قلندرانه و رندانه، که در آن ید طولا دارد، عذری می‌آورد و بهانه‌ای می‌جست... و من دانستم که سخن مشهور که گفته‌اند «با کریمان کارها دشوار نیست» استثنائاتی هم دارد!

سرانجام همان دوستان تصمیم گرفتند که معلم را در برابر کار انجام‌شده قرار دهند... و دادند! و حاصل کار این شد که پیش روی شما گرامیان قرار دارد.

ممکن است معدودی از سروده‌های این مجموعه را بعضی از

دوستداران شعر معلّم چندان نپسندند و شاید حق با آنها باشد، ولی هر چه هست، این آثار بخشی از گذشته ادبی استاد محسوب می‌شوند و شناخت تحول شعر ایشان بدون لحاظ این اشعار ممکن نیست، لذا جز یکی دو تغییر عنوان، و یک جابه‌جایی، هیچ تغییری در ترکیب و ترتیب مجموعه داده نشده است.

در ویرایش و گذاشتن نشانه‌های سجاوندی، سعی کرده‌ایم به حداقل لازم بسنده کنیم و از افراط در ریختن نقطه و ویرگول... در لابه‌لای کلمات پرهیز کرده‌ایم.

حواشی مثنویها را از آخر کتاب به پایان هر مثنوی منتقل کرده‌ایم تا مراجعه به آن برای خواننده آسان‌تر باشد. در تنظیم این حواشی به اختصار گراییده‌ایم و پاره‌ای عبارات درازدامن را کوتاه نموده و متقابلاً در صورت نیاز، حواشی تازه‌ای را - در حد معنی کردن برخی واژه‌های ناآشنا و ذکر برخی نکات لازم - افزوده‌ایم.

مؤخره دوازده صفحه‌ای کتاب، در باب دوره‌های مختلف فرهنگ و ادبیات ایران و... با آنکه نکات مفیدی در برداشت، حسب نظر جناب معلّم، که بارها در مذاکرات حضوری ابراز فرموده بودند، حذف شد.

خطاهای مطبعی چاپ اول را اصلاح کرده‌ایم و اگر خود دچار لغزشی باشیم، از جناب استاد معلّم و خوانندگان گرامی عذر می‌خواهیم و قول می‌دهیم در چاپهای بعدی آن را اصلاح نماییم.

امیدواریم دیگر آثار جناب استاد علی معلّم، اعم از مثنویها و غزلها و... و تصنیفها و ترانه‌ها و نیز آثار منشور ایشان، هر چه زودتر در هیئتی چشم‌نواز به خوانندگان فرهیخته تقدیم گردد.

محمد رضا ترکی

نوروز ۱۳۸۵